

سید شرف الدین و نظریه گفت وگو

<?xml encoding="UTF-8">

گفت وگو در زبان فارسی، دیالوگ (Dialogue) در زبان انگلیسی و حوار در زبان عربی، مفهومی ناظر به عمل ارتباطی - زبانی انسان در مقام ارتباط با دیگران است. در اصل عمل گفت وگویی، زمانی شکل می گیرد که پای (دیگری) به میان باشد و (دیگری) جایی شروع می شود که (من) تمام شده باشد و شناخت (دیگری) بستگی به شناخت من است. سقراط، تفکر را گفت وگو می داند. در نظر او، تفکر، سخن گفتن روح با خویش است. گویا که روح آدمی، در کار پاسخ گویی به پرسش پرسنده و یا نقدکننده و خرده گیر فرضی است. سقراط و افلاطون، گفت وگو را منطق تفکر می دانند و بر این باورند: در گفت وگو با دیگری، واقعی و یا فرضی، اندیشه زاده می شود.

گفت وگو در قرآن و سنت

در قرآن، برای گفت وگو، واژه های گوناگون آمده است: قول، 1 جدال، 2 محاوره، 3 مکالمه 4 و مرء. 5 قول برای نفس سخن گفتن به کار برده می شود. در قرآن، این مفهوم هم برای بیان گفت وگویی که جنبه اخباری دارد و رخ داده است، به کار برده شده و هم برای بیان گفت وگوهای انشایی. از این روی قول در قرآن، همراه با قید وصف است: (فَقُولْ لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا). طه، 44 (قُلْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا). احزاب، 32 (وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا). احزاب، 7 (الْقَوْلُ غَرُورًا). انعام، 112 (قُلْ الزُّورُ). حج، 30

جدال و مجادله، گفت وگویی است که با پافشاری و اصرار دو طرف برای قانع کردن یکدیگر انجام بگیرد. (قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَكُتِّرْتَنَا). هود، 32 این گونه گفت وگو، در بسیاری از آیات قرآن و روایات اهل بیت(ع) بازداشته شده است؛ زیرا در این گونه گفت وگو، راهی به حقیقت، هدایت و روشنایی نیست، مگر این که جدال، جدال احسن 6 و همراه با علم و معرفت 7 باشد.

مرء، گفت وگویی است که در موضوع آن، شک و تردید باشد. یا همان جدل و گفت وگویی است که به پیکار و دشمنی می انجامد، حقیقت انکار می گردد 8 و... از این روی، در قرآن و روایات، از مرء، پرهیز داده شده است. بنابراین، جدل و مرء در اسلام، رفتاری است نادرست و انجام آن سبب ناخشنودی خداوند. در روایتی، جدل، عامل شک و تردید 9 و گمراهی، 10 و سلطنت شیطان بر انسان معرفی شده است. 11 مرء نیز آدمی را از درک حقیقت ایمان باز می دارد، 12 اگرچه حق با مرءکننده باشد. 13

در روایات دیگر آمده که شک چهار شعبه و رکن دارد که مرأ یکی از این چهار رکن است. 14

مفاهیمی چون مکالمه، قول و محاوره در قرآن، اگرچه به معنای گفت و گویند؛ اما نه گفت و گو در یک فرایند نظری و معرفتی، یا نظریه راهبردی، بلکه به معنای مکالمه های روزمره است.

اما در پاره ای از آیات، در گفت و گوی اعتقادی نیز به کار برده شده است:

خداوند از رسول گرامی خود می خواهد گفت و گو با اهل کتاب را براساس اصل مشترک ادیان ابراهیمی، مبنی بر اعتقاد به خدای یگانه و انباز نگرفتن برای او، داشته باشد:

(قل يا اهل الكتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا تعبد الا الله ولا تشرك به شیئاً ولا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله. فان تولّوا فقولوا أشهدوا بأننا مسلمون.) 15

بگو: ای نامه داران، به سوی سخنی آید که در میان ما و شما، یکی است، که جز خدا نپرستیم و او را انباز نیاریم، برخی مان برخی دیگر را از فرو دست خدای، خدایان نگیرد. پس اگر پشت کنند، بگویند: گواه باشید، ما، را مان ایم. روشن است که در این آیه شریفه، گفت و گو به معنای مکالمه های روزمره نیست، بلکه راهی برای اندیشیدن براساس یک ایده و عقیده است.

آیات 76-81 سوره انعام نیز، گفت و گوی ابراهیم(ع) با کافران و ستاره پرستان، به عنوان یک مقوله معرفتی و راهی برای دستیابی به حقیقت مراد است.

قرآن در سوره نحل، آیه 125 برای گفت و گو مراحل چندی را مطرح می کند: حکمت، موعظه و جدال احسن:

1. حکمت: گفت و گویی است که با برهان و دلیل پیش می رود.

2. موعظه: سخن نیکو و بیان خیر و صلاح طرف گفت و گو، به بیانی که قلب او را مورد تأثر قرار دهد و احساسهای او را خرسند، راضی و قانع سازد و به انگیزش و جنبش درآورد، گفته می شود. موعظه در زمانی است که طرف گفت و گو، با برهان و استدلال، حق و حقیقت را پذیرفته است و موعظه برای این است که فراموشی او را فرا نگیرد. یا مخاطب به لحاظ رشد فکری و عقلانی، در حدی نیست که بتوان با او با برهان و دلیل فلسفی سخن گفت.

3. جدال احسن: زمانی است که نه برهان در شخصی که آن سوی گفت و گو قرار گرفته اثر می گذارد، و نه موعظه. در این صورت، قرآن جدال احسن را پیشنهاد می کند، به شرط آن که پست انگاری طرف گفت و گو نینجامد. بلکه تلاش شود حقیقت در فرایند گفت و گو روشن گردد اگرچه در عمل نپذیرد و لجاجت بورزد. اما اگر دقیق جدال احسن صورت بگیرد، تسلیم می شود و قدرت بیان او پایان می گیرد و لکنت زبان پیدا می کند.

علامه طباطبایی این سه مرحله گفت و گو را در قرآن، با برهان و خطابه و جدال در منطق ارسطویی، یکی می داند؛ اما به اعتقاد ایشان قرآن تأکید می ورزد که موعظه (خطابه) باید حسنه و جدل باید احسن باشد. 16

شرف الدین متکلم برجسته

بیش تر آثار نوشتاری شرف الدین، درحوزه مسائل کلامی است: الکلمه الغراء فی تفصیل الزهراء، فلسفه الميثاق والولاية، اجوبه مسائل جارالله، الی المجمع الغربی بدمشق، سبیل المؤمنین، النصوص الجلیه وتنزیل الایات الباهره.

بویژه کتاب المراجعات و النص والاجتهاد ایشان که از بی مانندترین آثار کلامی به حساب می آیند. قسم دیگری از میراث مکتوبی که از شرف الدین بر جای مانده است، در حوزه تاریخ، همچون المجالس الفاخره،

زینب الکبری، مؤلفوا الشیعه فی صدر الاسلام است. و در دانش حدیث، ثبت الاثبات فی سلسله الرواه، تعلیقہ علی صحیح مسلم و تعلیقہ علی صحیح البخاری و تحفه المحدثین که با رویکرد کلامی به نگارش درآمده اند. 17

رویکرد کلامی به تاریخ، گونه خاصی از تاریخ نگاری است که به تاریخ، نه به عنوان یک رشته علمی مستقل در کنار سایر دانشها، بلکه علمی می داند که برای پاریجا کردن گزاره های کلامی - اعتقادی، علم کلام را یاری می رساند. در تشیع این نوع تاریخ نگاری با شیخ مفید شروع شد.

شرف الدین در گفت وگوهای کلامی، به مسائل تاریخی روشنگری آنها بسیار توجه دارد.

نظریه گفت وگو، شیوه عملی برای خروج از بحران

کتاب الفصول المهمه، نخستین اثر قلمی شرف الدین است که به سال 1327ق. آن را نگاشت و سپس در صیدای لبنان و سال 1347 در نجف به چاپ رسید. این کتاب، شروع یک حرکت فکری و سیاسی در زندگی سید شرف الدین است که در تمام عمر، گسترش و عملی شدن آن کوشید و با کتاب المراجعات و النص والاجتهاد تکمیل و پایان یافت. 18

در کتاب الفصول المهمه، گفت وگو به عنوان یک رویکرد عملی طرح می شود و در کتاب المراجعات و النص والاجتهاد، نظریه گفت وگو، زوایای نظری و معرفتی پیدا می کند. سید شرف الدین می کوشید که از دل این فرضیه و انگاره، بتواند به یک راهبرد در حلّ دشواریها و گرفتاریهای جهان اسلام برسد.

جهان اسلام، در عصر سید شرف الدین، به شدت دچار بحران قومیت‌های مذهبی بود که وفاق اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی را به خطر انداخته بود و خرده فرهنگ ها به جای این که در فکر رشد و گسترش تمدن اسلامی باشند به جنگ و ستیز روی آورده بودند. پیدایش و گسترش تمدن استعماری غرب در عصر شرف الدین، سبب شده بود که خطر بحران قومیت‌های مذهبی، جدی ترین خطر در نظر سید شرف الدین جلوه کند؛ چون غرب که با قدرت و آمادگی و تکنولوژی نظامی برتر و بالاتر، در صحنه رقابت آماده شده بود، می کوشید آن چه را که با قدرت نظامی نتوانسته عمل کند و موفق باشد، از بحران قومیت‌های مذهبی استفاده کند، تا بتواند آسان تر به هدفهای خود برسد. تئوری وحدت، به مثابه گفت وگو، زاییده این دشواریها، گرفتاریها و بحرانهاست. سخن در این مقام، این است که چگونه می توان این گرفتاریها و بحرانها را از سر گذراند. چگونه می توان جهان اسلام را از تنگنا و گرداب به در آورد، گردابی که فرهنگ و تمدن اسلامی را به خطر انداخته است. یعنی هیچ بحثی درباره گزاره های اعتقادی و کلامی نیست و اگر بحثی صورت کلامی دارد، برای توجیه بایستگی گفت وگو، از باب رویکرد عملی آمده است، مانند بحث از وحدت و اتحاد و معنای اسلام و ایمان در منابع شیعی و سنی که مورد بازخوانی قرار گرفته است. 19

گفت وگو، از چشم انداز یک رویکرد عملی در کتاب (الفصول المهمه) بازتاب یافته است. بنابراین، نظریه گفت وگو، راهی است که می توان با آن به وحدت اسلامی مسلمانان دست یافت و بر نابسامانیها چیره شد و آنها را مهار کرد و فرهنگ و تمدن اسلامی را که به سبب اختلافها و ناسازگاریها، بسیار نحیف و لاغر شده، نجات داد:

(تنها با وحدت کلمه است که می توان امیدوار بود عمران و آبادی شکل بگیرد و راه توسعه و رشد هموار گردد و تمدن و مدنیت پیدا شود و رفاه و آسایش به خانه هامن برگردد و از بردگی و بندگی رها شویم، دلها را یکدل کنیم و عزم اراده ها را متمرکز، و در راه اعتلای اسلام و مسلمین بکوشیم و مقام و موقعیتی که شایسته آن بوده ایم برسیم). 20

ارائه تئوری وحدت با منطق گفت وگو، برخاسته از شخصیت فقهی ایشان است. چون متکلم فقط از گزاره های کلامی و اعتقادی سخن می گوید که بعد نظری و معرفت شناسانه دارد و از نگاه عقل، آن چه متکلم بنیان می گذارد و رواج می دهد، نظری و معرفتی است، نه معرفتی ناظر به عمل و دشواریها و گرفتاریهای عملی. اما فقیه و علم فقه، دنبال معرفتی است که او را در عمل اجتماعی و فردی موفق گرداند و رهنمون باشد. پس نظریه وحدت به منزله گفت وگو، ریشه در تفکر فقهی و معرفت فقهی شرف الدین دارد.

وحدت به مثابه گفت وگو، مدل تحلیلی است که سید شرف الدین آن را از قرآن الهام گرفته است که می فرماید: (ولاتنازعوا فتّفسلوا و تذهب ریحکم).²¹

با هم مستیزید که زبون شوید و شکوه تان برود.

از سوی دیگر می فرماید:

(قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینک الاّ نعبدوا الاّ الله ولانشرک به شیئاً ولا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله.)

ای اهل کتاب بیاید بر سر سختی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم و گفت وگو کنیم، تا به حقیقت برسیم.

از جمع این دو آیه، مدل تحلیلی به دست ما می آید که بتوانیم سببها و انگیزه های افول یا رشد فرهنگ و تمدن اسلامی را بشناسیم و آن پراکندگی، دوگانگی، پس از پذیرش یگانگی خدا و پیروی رسول است. راه نجات از این بحران یکدلی، هم فکری براساس اصل مشترک: خدا و رسول و گفت وگو براساس آن اصل است.

پرسش دیگر درباره این نظریه این است که چه هدفهایی را این نظریه دنبال می کرد؟ این نظریه در مقام اوّل، ارائه یک مدل تحلیلی برای تحلیل، بیان و روشننگری حالت و وضع اجتماعی و سیاسی جامعه های اسلامی بود که کجا هستیم و چه عواملی و عللی در رسیدن به این حالت اثرگذار بوده است. در مقام دوم رسیدن به یکسری هدفهای روشن است:

1. نزدیک کردن فهمها و فکرها به یکدیگر و برقراری حسن تفاهم بین مذاهب، بویژه دو جریان مهم اسلام: تشیع و تسنن.

2. کم کردن تنش میان مذهبهای اسلامی و جایگزین کردن گفت وگو به جای آن.

3. پدید آوردن یکدلی و هم فکری بین مسلمانان در برابر جبهه غرب که تنها رقیب جدّی به شمار می آمد.

4. رسمی کردن تشیع در جهان اسلام و نمایاندن جایگاه ویژه آن بین مسلمانان.

5. گسترش پژوهشهای علمی در بین مذهبهای اسلامی، برای رسیدن به شناخت واقعی از یکدیگر و آشنایی با باورها و ارزشهای مورد پذیرش همه.

نظریه سازی وحدت معطوف به گفت وگو

نظریه وحدت گرایی شرف الدین، نظریه گفت وگوست. یگانگی، یکدلی، همراهی و پذیرفتن دیگری، یعنی هم کلام شدن با او و فهم او براساس یک سری واقعیتها، بود و هستها و بایستگیهای عملی و عینی، یا این که پذیرفتن این نکته که انسان در گفت وگو و مباحثه با دیگران به فرایند و تجربه هایی می رسد که اطمینان و آرامش می یابد که حقیقت امر را دریافته است. چون انسان موجود محدود و وجود امکانی است و در نتیجه درک و فهم او نیز از حقیقت، محدود خواهد بود. این جاست که گفت وگو با دیگر همگنان برای درک حقیقت یک نیاز وجودی بشر است.

شرف الدین در کتاب الفصول المهمه، گفت وگو و وحدت اسلامی را نیاز و ضرورت عملی نظریه پردازی و دفاع دانسته است. پرسشی که این جا مطرح می شود این است: سید شرف الدین با تئوری وحدت معطوف به گفت وگو، چگونه نظریه سازی می کند؟

سید شرف الدین گفت وگو را به ساحتِ گفتمان اعتقادی - کلامی می برد و این را می توان نتیجه بازخوانی پروژه فکری سید جمال الدین اسدآبادی، در طرح نظریه وحدت دانست که بدون شک اشراف و توجهی نیز، به مناظره های کلامی مثل شیخ مفید و سید مرتضی در دوران خلافت اسلامی داشته است. سید جمال الدین، نظریه وحدت مسلمانان را در مرحله دگرگونیهای سیاسی کلان و دگرگونی حاکمیتها و حاکمان در سرزمینهای اسلامی دنبال می کرد، بیش تر ناظر به بازگرداندن مجد و شکوه خلافت اسلامی در برابر تمدن نوظهور غرب بود. اما به نظر شرف الدین، دستیابی به چنان آرمانی، راه و روش دیگری می خواست؛ زیرا بنیادهای عقلانیتِ فرهنگ و تمدن اسلامی را بحران فرا گرفته بود و تا زمانی که به این بحران از سر نمی گذشت و مهار نمی گردید، تمدن اسلامی، نمی توانست مانند گذشته به رشد و شکوفایی خود برسد و بدون شک، یکی از پدیدآورنده های این بحران پراکندگی میان امت اسلامی بود. در نظر شرف الدین، این پراکندگی و گسستگیها، آن گاه از میان مسلمانان رخت برمی بندد و به وفاق و اتحاد پایدار دگر می شود که ریشه های اختلاف را جست و جو کنیم و با نگاه ژرف به حلّ ریشه ای بحران بپردازیم. به اعتقاد شرف الدین آن چه امت اسلامی را در بحران، پراکندگی و ناسازگاری فرو برده است، فراتر از مسائل سیاسی - اجتماعی است. در نگاه ایشان، دوگانگیها و پراکندگیها، سرچشمه اعتقادی و فرهنگی دارند در این میان، موضوع امامت شیعی، سرچشمه و منشأ بیش ترین تنشها میان شیعه و سنی شده است.

شرف الدین به این می اندیشد که با پدید آوردن فرهنگ گفت وگو، بویژه در ساحتِ اعتقادی - کلامی، بسیاری از بدفهمی ها، کژاندیشیها و... که زمینه ساز پراکندگی و دوگانگی اند، دامن برمی چینند و از میان می روند و همه جریانهای مذهبی می توانند در سایه سار اسلام گرد آیند و توانمندیهای خود را نشان دهند. به باور ایشان، گفت وگوهای اعتقادی در حوزه باورها، سبب می شود تا از میان همه اختلافهای فرقه ای به اصول مشترکی دست یابیم و هم فکری میان مذاهب اسلامی در حوزه های دیگر نیز ممکن شود.

مدلهای گفت وگو

در تلاشهای شرف الدین دو مدل از دیده می شود:

1. گفت وگوی شفاهی،

2. گفت وگوی نوشتاری.

1. گفت وگوی شفاهی: در سنت دینی، و در بین مسلمانان، گفت وگو، جایگاه ویژه داشته است. علمِ مناظره از رشته های علمی مورد تدریس در نظام آموزشی سنتی ما بوده است. سنت مباحثه از ابعاد مهم در فرایند تعلیم و تربیت است. از این روی، یکی از انتقادی های جدی و مهم فیلسوفان اسلامی از متکلمان، این است که در گفت وگو، چرا از جدل استفاده می کنید. در جدل، مقدمات غیر ضروری بسیار است و پذیرفته شده ها(مقبولات)، نه فطریات و اولیات، به کار گرفته می شود که به کار چیرگی بر رقیب می آید، نه به کار هدایت و درک حقیقت.

مسأله گفت وگو از این جهت، همواره مورد توجه متکلمان بوده است. مناظره کلامی شیخ مفید با ابوبکر باقلانی، علی بن عیسی زمانی که از بزرگان معتزله زمان خود بود، و پیش از آن مناظره های کلامی هشام بن حکم با

متکلمان چیره دست و خبره معتزله، چون عمرو بن عبید و ابوہذیل علاّف، از موارد بارز مدل گفت وگویی شفاهی است که در تاریخ ثبت شده است.

2. گفت وگویی نوشتاری: این نوع دیالوگ و گفت وگو در سنت کلامی ما، که به تلاش و اراده خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی با کتاب تجرید الاعتقاد و کشف المراد شروع شد، به گونه برجسته ای نمایان است: نقد قوشجی از کتاب تجرید الاعتقاد و روزبهان شیرازی از اثر مهم علامه حلی، منهاج الکرامه و نقد نورالله شوشتری از نقد قوشجی، یعنی نگارش احقاق الحق و نقد اردبیلی از نقد روزبهان شیرازی.

در این گفت وگوها، هر دو طرف، امیدوار بودند که حقیقت را با فهم خویش روشن سازند. در واقع، در هر دو نمونه و الگو از گفت وگو، برای متکلم، پذیرفتن این نکته که می توان با بهره گیری درست از این فن، حقیقت را برای رقیب روشن کرد، پیش فرض مهمی است که اگر حقیقت به گونه دیگری بر او جلوه نمود، یعنی حقیقت را در کلام و مدّعی طرف گفت وگویی خود یافت، برابر منطق، باید بپذیرد. البته متکلم حقیقت را پیشاپیش با تعبد یا با استدلال و برهان پذیرفته و به دنبال این است که این حقیقت را در گفت وگویی آزاد با دیگران، به بوته تجربه بزند و آزمون بگذارد و محک بزند. در صورتی که از این تجربه و آزمون در گفت وگویی با دیگران، سربلند بیرون آمد، به سود دین از آن بهره برد.

بنابراین، هر دو نمونه از گفت وگو در سنت اسلامی، پیشینه داشته و از آنها برای بیان حقیقت استفاده شده است. از این روی، این روش در بین مسلمانان مورد توجه قرار گرفته است.

سید شرف الدین، با بازخوانی این سنت دینی و احیای آن و کشف تواناییهای پنهان در آن، از گفت وگو، به عنوان نظریه ای برای روشن کردن جاهای اختلاف، ریشه های آن بهره برده و از این پایگاه، چشم اندازی نو به روی اهل فکر و مسلمانان گشوده است.

المراجعات نمونه گفت وگویی نوشتاری

المراجعات، از ارزنده ترین آثار شرف الدین، بلکه یکی از ارزنده ترین آثار کلامی قرن چهاردهم هجری است. این کتاب ارزشمند، اثر مهم و ماندنی در تألیف قلوب بین دو جریان مهم اسلامی، و شناساندن چهره واقعی تشیع در میان مذہبهای اسلامی، داشته است. این اثر، در دورانی پا به عرصه گذارد و هنگامه آفرید و سدّ بهتانهای علیه شیعه را شکست که موجهای پیاپی بهتان، آرام و قرار را از شیعه گرفته بود و شیعه در غربت قریبی گرفتار آمده بود. شرف الدین با این اثر ماندگار و آفرینش شگفت، راه های ناهموار بین شیعه و سنی را هموار کرد و زمینه را برای نشست و برخاستهای علمی فراهم آورد و گفت وگویی بین مذہبی را پس از مدتهای طولانی بی توجهی به آن، احیا کرد. المراجعات، مجموعه 112 گفت وگویی نوشتار ناب، روشنگر، دگرگون کننده، راهگشا و وحدت آفرین است که بین سید شرف الدین و سلیم بشری، مفتی و رئیس اسبق جامع الازهر، ردّ و بدل شده است.

سید شرف الدین، بعد از نگارش کتاب الفصول المهمه، در سال 1327 هـ.ق. به این فکر بود که چگونه می توان گفت وگویی بین مذہب اسلامی را عملی کرد و به آن جامه عمل پوشاند. برای این هدف سال 1329 به مصر، که مرکز علم و معرفت بوده است، می رود و در درس شیخ سلیم بشری حاضر و با وی آشنا می شود، از همین جا، گفت وگوهای را با سلیم بشری درباره پراکندگی مسلمانان و علتها و سببهای آن شروع می کنند و پس از گفت وگوهای بسیار، قرار می گذارند بعد از برگشت سید شرف الدین به زادگاهش، این مناظره ها به گونه مکاتبه ای ادامه یابد. و از جمله دستاورد بزرگ این گفت وگوهای نوشتاری، پدید آمدن المراجعات است. کاری که به نوبه

خود بی مانند است و جاویدان.

سید شرف الدین با شیخ سلیم بشری در گفت وگوهای شان، بر این پیمانند که در ضمن گفت وگوی آزاد و سازنده دوستانه و مهرورزانه به حقیقت برسند. 22 اگرچه هر دو نسبت به حقیقت موضع کلامی دارند و آن را پیش فرض گرفته اند، با این حال، آن را در گفت وگو، در تعلیق می گذارند، تا حقیقت، بنمایاند. نتیجه، عملی که از این گونه مناظره بهره مان می شود، رسیدن به راهبردی برای حل بحران اصلی جامعه اسلامی، یعنی پراکندگی اختلاف، تا این که راه برای دگرگونیهای خوشایند هموار گردد. پس گفت وگوی میان مذاهب اسلامی از نگاه سید شرف الدین، هم برآیند دغدغه های نظری است و هم زاینده دشواریهای عینی و عملی.

کتاب النص والاجتهاد، که آخرین اثر سید شرف الدین است. می توان آن را کامل کننده المراجعات دانست. کتاب الفصول المهمه، المراجعات و النص والاجتهاد، یک خط سیر را دنبال می کند که گفت وگو و پدید آوردن همدلی و هم فکری در بین مذاهب اسلامی است.

شرف الدین در این کتاب، 99 مورد را ذکر می کند که برگرفته از موثق ترین منابع و مأخذ اهل سنت است که برخلاف نص پیامبر(ص)، تفسیر و عمل شده است و جدایی و پراکندگی مسلمانان را سبب شده است. در واقع، سید شرف الدین در این اثر، به دنبال واکاوی مسائلی است که در سده نخستین اسلامی، ریشه های نخستین مذاهب اسلامی است.

این 99 موردی که ایشان در این کتاب، به شرح آنها پرداخته، و شرح داده، همان تفسیر و توجیه هایی است که امروز مذاهب اسلامی را شکل داده است در این اثر نشان می دهد که تفسیرها و تأویلهای پیشینیان از کتاب خدا و سنت، اجتهاد در برابر نص و تفسیرهای شخصی است در برابر سخن روشن پیامبر که خدا می فرماید: (ما اتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا).سوره حشر، 7

عوامل سازنده فرهنگ گفت وگو

1. اصل نخستین در امر گفت وگو: پذیرفتن تکثر، عقیده ها و دیدگاه های گوناگون و اختلاف است در قرآن کریم تکثر در خلقت و فعل الهی، یعنی اختلاف شب و روز 23، زبان و قومیت های 24 گوناگون در جهت گسترش عقلانیت در میان انسانها آمده است و سید شرف الدین در کتاب الفصول المهمه، که فصل اول، در بیان، شرح و بررسی زوایای وحدت در منابع شیعی و سنی است در آخر این بحث به این آیات اشاره کرده است: تکثر در امر آفرینش یک امر عقلانی است و در قرآن پذیرفته شده است. او، بر این نکته پای بندی نشان می دهد و نظریه وحدت را بر پایه تکثر در خلقت عالم هستی، مطرح می کند.

2. زبان و ادبیات گفتاری: زبان را اگر به معنای بیان ما فی الضمیر بگیریم، در پیوندها و پیوستگیهای آدمی، زبان نقش کلیدی و حساس دارد و بیش ترین پیوند زبانی آدمی، پیوند کلامی است. از ابعاد مهم عقلانیت عملی، ادبیات گفتاری است؛ یعنی صورت کلام آدمی است که در گفت وگوی با دیگران به کار برده می شود و این که کلام و زبان آدمی، باید از درازگویی و کم گویی مخل و مفاهیم دوپهلوی که دارای اشتراک لفظی و معنایی دارند، دوری جست تا تفهیم و تفاهم شکل بگیرد.

3. تعلیق پیش فرضهای کلامی: به اعتقاد سید شرف الدین، از عنصر مهم در شکل گیری گفت وگو، فروهشتن پیش انگاره های کلامی در امر گفت وگوست و شنیدن مدّعی یکدیگر، بدون پیش انگاره و داوریهای پیشین. چون اگر پیش انگاره ها و آگاهی های خارجی مان را در گفت وگو، فرو نگذاریم، به فهم حقیقت کلام طرف مقابل

گفت وگو نمی‌رسیم و در اصل، به فهم حقیقت نمی‌رسیم، چون فرض ما بر این است که در فرایند گفت وگو به حقیقت برسیم. در این صورت، اگرچه گفت وگو انجام گرفته؛ اما نتیجه‌ای که می‌باید از آن حاصل شود، بدست نمی‌آید و در اصل در چنین حالتی، شنیدن، که مقدمه فهم کلام دیگری است، در مقام گفت وگو، به صورت درست انجام نمی‌گیرد. اگرچه گوش چیزهایی می‌شنود؛ اما حواس و توجه او به این است که از سخنان طرف مقابل گفت وگو تأییدهایی برای پیش‌انگاره‌های خود بیابد، یا چگونه کلام طرف گفتگو را در تأیید انگار و عقیده خود، تأویل و تفسیر کند. در این فرایند است که جدل به وجود می‌آید.

سید شرف‌الدین، وقتی در مقام گفت وگو، با شیخ سلیم پشیری برمی‌آید، بدون پیش‌انگاره‌های کلامی‌اش، مبنی بر این که تنها گروه ناجیه، تشیع و تشیع‌جریان اصلی اسلام است، با او به گفت وگو می‌نشیند، تا به فهم حقیقت کلام و ادعایی که طرف مقابل گفت وگو عهده‌دار بیان آن است، برسد و نیز آن چه در اطلاعات پیشین، داوریه‌ها و پیش‌انگاره‌ها نهفته است، تکیه نمی‌کند.

شرف‌الدین هم چنین در کتاب الفصول المهمه از اهل سنت دعوت می‌کند که نه براساس شناخت پیشینی که از شیعه دارند و بر یکسری پیش‌انگاره‌ها استوار است، بلکه در یک گفت وگوی آزاد و از روی انصاف، به شناختی جدید و پسینی از شیعه برسند.

4. اخلاق گفت وگو: اخلاق یکی از رکنها و زوایای مهم و کلیدی هر نوع فرهنگی است و گفت وگو برای این که سازنده باشد، چاره‌ای جز نگهداشت ادب و احترام به شخصیت و اعتقادات و باورهای طرف گفت وگو نیست. گفت وگوهای بین مذهبی سید شرف‌الدین که مجموعه‌ای از آن در کتاب المراجعات چاپ شده است، از این نگاه، بسیار درخور توجه و دقت است.

جمع‌بندی: سید شرف‌الدین، یکی از متکلمان و فقیهان مهم و بزرگ سده چهاردهم هجری تشیع است. حیات فکری - سیاسی وی، از حلقه‌های مهم حرکت فکری - سیاسی مرجعیت شیعه، که در اثر رویارویی و چالش با فرهنگ و تمدن غرب به وجود آمده است، به حساب می‌آید. مطالعه و تحقیق پیرامون این حرکات و تلاشها، بدون توجه به حیات فکری و سیاسی سید شرف‌الدین، ابتر و ناقص خواهد بود. ایشان وحدت اسلامی مسلمانان را به عنوان تئوری راهبردی در جهان اسلام مطرح کرد و برای عملی شدن آن، تلاشهای زیادی کرد، نظریه وحدت ایشان، نظریه گفت وگو میان مذاهب اسلامی است. سید شرف‌الدین گفت وگو را امر نظری و راه‌گشا به فهم حقیقت، و ارائه دهنده راه و روش برای حلّ دشواریهای عملی می‌دانست. این خط سیر فکری سید شرف‌الدین، با کتاب الفصول المهمه شروع شد و با کتاب المراجعات، عینیت یافت و با کتاب النص والاجتهاد آسیب‌شناسی و ابعاد نظری به خود گرفت. در واقع سید شرف‌الدین با ایجاد فرهنگ گفت وگو، به دنبال احیای عقلانیتی است که با وجود اختلاف و دوگانگی مذاهب اسلامی، چنان عقلانیتی ممکن نیست.

پی‌نوشت ها :

1. سوره زمر، آیه 18.
2. سوره هود، آیه 23.
3. سوره کهف، آیه 34.

4. سوره روم، آیه 35.
5. سوره كهف، آیه 32.
6. سوره عنكبوت، آیه 36.
7. سوره حج، آیه 8.
8. المنجد، لويس مألوف / 1500، بيروت، دارالمشرق، 1973.
9. ميزان الحكمه، محمدی ری شهری، ج 2 / 21، مكتبه الاعلام الاسلامی، قم.
10. همان.
11. همان.
12. همان، ج 9 / 134 - 138.
13. همان / 135.
14. همان / 138.
15. سوره آل عمران، آیه 64.
16. الميزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبائی، ج 12 / 371 - 372، اسماعیلیان، قم.
17. شرف الدین، محمدرضا حکیمی / 103 - 142، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
18. نقباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ج 3 / 1081 - 1088.
19. الفصول المهمه، سید شرف الدین / 9 - 12، دارالزهراء، بيروت، 1397.
20. الفصول المهمه / 7.
21. سوره انفال، آیه 46.
22. المراجعات، سید شرف الدین / 4، مقدمه.
23. سوره آل عمران، آیه 109.
24. روم، آیه 32.